

عنوان مقاله:

روایت شناسی چند تمثیل مشترک در آثار سنایی و عطار و مولانا برپایه نظریه ژرار ژنت

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهشهای ادب عرفانی (گوهر گویا)، دوره 13، شماره 1 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 39

نویسندگان:

عبدالرضا حیاتی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

علیرضا مظفری - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

عبدالله طلوعی آذر - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

خلاصه مقاله:

روایت شناسی یا دستور زبان روایت رویکردی قاعده مند و منسجم در بررسی ساختار روایت است. این رویکرد با بررسی لایه های مختلف یک اثر ادبی می کوشد به معانی پنهان یا فراتر از متن دست یابد و قدرت فهم متن را بالا برد. نویسندگان این پژوهش تمثیل را در جایگاه گونه ای از انواع روایت، برپایه منسجم ترین قواعد و قوانین روایت شناسی بررسی کرده اند که با نظریه های ژرار ژنت در پنج اصل کلی (نظم و ترتیب، تداوم، بسامد یا تکرار، وجه یا حالت و آوا یا لحن) استحکام یافته است؛ همچنین برای نمونه چند تمثیل مشترک سنایی و عطار و مولانا از نظر قواعد روایت شناسی ژرار ژنت بررسی شده است. برپایه این پژوهش مشخص می شود افزون بر ابهام آفرینی تمثیل، عوامل دیگری نیز در ماندگار کردن تمثیل به عنوان نوع ادبی محبوب عارفان بسیار سهم داشته است؛ این عوامل عبارت است از: زمان پربشی و سرعت و شتاب تمثیل در انتقال مفاهیم عرفانی و قدرت بسامد و تکرار آن در اقناع مخاطب. همچنین در ضمن این بررسی، سیر پختگی و تکامل تمثیل در اشعار این سه عارف نیز آشکار شده است.

کلمات کلیدی:

روایت شناسی، تمثیل، سنایی، عطار، مولانا، ژنت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1209353>

